



محمد ضیا ضیا

کتاب و کتاب نویسی ...

محمد ضیا ضیا استرالیا

حالا، ساینس و تکنالوژی سهولتهای زیاد را در عرصه های مختلف زندگی انسان به وجود آورده است. سعادتمند کسی، جمعیتی و یا کشوریست که از آن به وجه احسن استفاده میکند و بر خلاف، بدا ! به حال کسی یا کسانی که از دستاوردهای دانش و عقل بنی آدم به عوض استفاده بهینه، عکس آنرا انجام میدهند و یا از همجو امکانات، سود سالم و بجا نمی برند.

بیانید گوشه ای از این امکانات را در بخش کتاب، کتاب نویسی و چاپ آثار علمی، ادبی، تاریخی و یا سایر بخشهای آگاهی جمعی انسان، آنهم در افغانستان و یا افغانهای ما در بیرون از افغانستان از نظر بگذرانیم؛ و بیشتر از آن یک قصه:

26 سال پیش، کار تحقیقاتی زیر دستم بود. بخش از آن ایجاب میکرد تا با پرسشنامه ها و مصاحبه های رویاروی پای صحبت دانشمندان، هنرمندان، نویسندگان و فرهنگیان بنشینم و از آنها فیض بگیرم. در همین جریان به منزل یکتن از استادان عالیقدر پوهنتون کابل رفتم تا پرسشنامه و مصاحبه خود را تکمیل نمایم. در جریان صحبتها، همان استاد معظم با محاسن سفید از جایش برخاست و یک بسته کاغذ (تریشه) را که در آن یک اثر علمی و درعین حال کارآمد محصلین فاکولته ادبیات، هنرها و... نوشته شده بود آنرا برایم نشان داد و از محتوای آن چیزهایی بمن گفت. در حال از استاد پرسیدم:

چرا این اثر ارزشمند را به چاپ نرساندید؟

تبسم ملیح اما بسیار معنی دار از چهره اش ظاهر شد و گفت:

شما نمی بینید که من کاغذ های تریشه مطبوعه را در پاکتویس استفاده کرده ام، آیا میتوانم مخارج چاپ این اثر را که در آن حتی یک کلمه از زلف و کاکل انقلاب کبیر چیزی ندارد، از مصرف خود آنرا چاپ کنم؟

بلی! حتی تا چند سال اخیر نه تنها در افغانستان بلکه در اکثر کشور های جهان، چاپ و نشر کتاب کار زیاد و هزینه هنگفت را ایجاب میکرد و برآمدن یک کتاب از چاپ، از جمله نادرتهای به حساب میرفت.

و اما چاپ کتاب در افغانستان، در یک کشور فقیر نگهداشته شده چگونه بود؟

هر کتاب یا هر اثر (در بخشهای مختلف علم، هنر، فرهنگ ...) که به چاپ میرسید، لازمه اش این بود که اگر کتاب یا اثر از طریق مراجع علمی مثل پوهنتون ها و سایر مراجع با صلاحیت علمی به چاپ میرسید، همان کتاب یا اثر، از نظر هیأت باصلاحیت علمی و مسلکی میگذشت و آنگاه اجازه چاپ و نشر را پیدا میکرد. در غیر آن اگر کتاب یا هر اثر از دانشمندان، نویسندگان و شعرا بیرون از این حلقه ها میبود، کتاب یا اثر، از زیر نظر مراجع ذیصلاح، علمی و مسنول میگذشت و پس از اجازه یافتن رسمی به نشر آن اقدام به عمل می آمد.

قابل ذکر است، کتابها یا آثار نه تنها از نگاه پالیسی نشراتی و سیاست حاکم آنوقت، بلکه از نگاه مضمون و محتوا و از نگاه شیوه نگارش نیز مورد دقت قرار میگرفت. به قول معروف؛ یک کتاب زمانی از طبع می برآمد، که لازمه اش از زیر هفتاد سنگ آسیاب گذشتن بود تا بدسترس خواننده می افتاد. به همین دلیل بود که کتاب یا دیوان اشعار بسیار کم به چاپ میرسید و یا اگر کتاب یا دیوانی به چاپ میرسید، آن کتاب یا آن اثر از ارزش فراوان بر خوردار میبود و کمتر اتفاق می افتاد که از قفسه کتابفروشیها کسی لایش را بالا نکند.

طوریکه در بالا متذکر شدیم، امروز شرایط چاپ و نشر کتاب از نگاه تخنیکی و مخارج پولی آن بسیار آسان شده. چون منظور ما در مورد کتاب و کتاب نویسی در افغانستان و افغانها در خارج از مرز است، بناءً درین مورد از افغانستان و افغان صحبت میکنیم.

اگر کتابها و مجموعه ها و تاریخ نویسی ها ... و بخصوص ساختن دیوانهای شعر... را طی سالهای اخیر که هموطنان ما چه در داخل افغانستان و یا خارج از آن به چاپ رسانده اند و بدسترس مردم قرار داده اند، در نظر بگیریم، بجا و به مورد است که به تعدادی از نویسندگان و به آفریننده گان آنها فخر و مباحات کنیم. حقیقتاً این فرزندان وطن چه از نسل پیش و چه از نسل جدید، گل گفته اند و در سفته اند و به حق که داد سخن را بجا آورده اند.

برخلاف؛ کتابها، آثار و دیوانهایی را نیز سراغ داریم که به جایگاه علمی، هنری، فرهنگی و حتی به به فرهنگ و ادبیات ملی کشور ما لکه ننگ و بد نامی زده اند. چه اگر همچو کتابها بدسترس اهل آن بیفتد و شرمناکتر از آن اگر بدست خارجیهای همزبان بیفتد، با اینکار شرم بزرگ را به همه تحفه میدهند.

چرا اینطور شده یا میشود؟

به نظر نگارنده سه دلیل عمده درین مورد وجود دارد:

- 1 - استفاده نا مطلوب از فضای مطبوعات آزاد در افغانستان و قرار گرفتن اشخاص و افراد در کشورهای با داشتن مطبوعات آزاد.
 - 2 - پیشرفت و انکشاف تکنولوژی که زمینه های آسانتر و ارزانتر چاپ را در هر کجا آماده ساخت و بسا اشخاص بدون آنکه صلاحیت علمی یا دسترسی لازم تجربی به نویسندگی، کتاب نویسی، دیوان سازی و شعر سرایی داشته باشند، بچاپ و نشر کتاب پرداختند.
 - 3 - بهتر شدن وضع اقتصادی (برخ کسان) خاصه کسانی که در کشورهای غربی به سر میبرند و از تقبل مخارج چاپ کتاب به مشکل مواجه نمی شوند. ...
- این عوامل باعث شده که هر کس به چاپ کتاب و عکس خود را بر روی جلد آن چسپاندن دست بزند. جالبتر از همه که همچو کسان به ناحق مردم را مقصر دانسته و داد و فریاد میزنند که چرا این مردم کتابها و دیوانهای مرا از بازار و مغازه ها و کتابفروشیها نمی خرند!!!

تا جائیکه محتوای برخی ازین کتابها به نظر میرسد، معلوم میشود که نویسنده آن به ملایی می ماند که ناخوانده بالای منبر بالا شده است. و در اخیر بیان میکند: من از شوق این کار را کرده ام....

انسان بزرگ است و حق انسان بزرگتر. هر کس حق دارد چیزی بگوید، چیزی بنویسد، کتاب چاپ کند، شعر بگوید، نثر بنویسد... مثل اینکه هر کس حق دارد موتر داشته باشد، بایسکل داشته باشد و یا اسپ سواری کند... اما این نکته را نیز به خاطر بسپارد اگر راننده گی میکند یا... اسپ سواری میکند باید تمرین کند، تجربه حاصل کند، خم و پیچ هارا آزمایش کند، زحمت بکشد، و اگر دست به قلم و کتاب نویسی و شاعری میزند باید راه و رمز کتاب نویسی یا شاعری را یاد بگیرد و در فرجام مهارت آنرا داشته باشد که اثرش در دلها چنگ میزند و مردم به آن علاقه میگیرند. در غیر آن کتاب یا اثرش تلک گردن خودش شده و خواننده اش هم خودش خواهد بود.

این نکته خیلی مهم است:

هرگاه به تولید کننده های اجناس در بازار متوجه شویم، تولید کننده همیشه سعی میکند چیزی را به بازار عرضه کند که مورد نیاز و علاقه خریداران باشد. کمتر کسی حاضر میشود که جنس داغی، شاریده، و بی کیفیت را بخرد. زیرا تولید کننده میداند که مردم به جنس خوب، بی عیب، و مورد نیاز دلچسپی نشان میدهند. در غیر آن اگر جنس بی کیفیت را با عیب

ونقصان به بازار ببرد، بی تردید که همان جنس بار دوش خودش میشود. بنا بران وقتی یک کتاب یا اثر از چاپ میبراید، نویسنده قبل از به چاپ رسیدن آن خودرا مطمئن بسازد که کتاب یا اثرش تا چه حد با اسلوب کتاب نویسی برابری دارد و چه دردی را دوا میسازد. همان طوریکه نویسنده و شاعر بدون یادگرفتن و فراگرفتن علم طبابت، مهندسی و هر علم دیگر طبیب یا مهندس شده نمیتواند، هر کسی ولو در هر علمی دست بالا داشته باشد، مهارت نویسندگی و شاعری بخش علیحده به حساب میرود.

خوشبختانه، استاد گرانقدر پروفیسور هاله نوشته ای را در مورد شعر و شاعری تهیه کرده اند که عنقریب بدسترس هفته نامه افق قرار میگیرد، یقین دارم که خوانش آن برای علاقمندان آن توام با حلاوت خواهد بود.